

## حل آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر اساس راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

مینا شیخی حلمسلوئی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد، آموزش و پرورش ابتدایی، دانشگاه آزاد

آموزش و پرورش شهرستان ارومیه، آموزگار

Minasheyjhi74@gmail.com

### چکیده :

پژوهش حاضر با هدف «حل آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان بر اساس راهکارهای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» انجام گرفته است. روش پژوهش حاضر از نوع کیفی بوده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد و داده‌های موجود نیز با روش توصیفی - تحلیلی بررسی شده‌اند. بر اساس یافته‌های پژوهش باید گفت که نظام تعلیم و تربیت مطابق سند تحول بنیادین مهم‌ترین دستگاه در امر تعلیم و تربیت دانش‌آموزان است بر این اساس استفاده از تمامی ظرفیت‌های این نهاد برای تربیت دانش‌آموزان در تمامی ساحت‌های تربیتی امری مهم و ضروری می‌باشد. در مسئله آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان نیز مطابق با سند تحول بنیادین، ارائه خدمات مشاوره‌ای، تقویت بنیان خانواده‌های آنان که به خانواده‌های آسیب‌پذیر شناخته می‌شوند با هدف کمک برای حل مشکلات آنان، تاسیس مدارس در مناطق کم‌برخوردار و همچنین توجه به دوران بلوغ و آموزش‌های متفاوت برای دانش‌آموزان دختر و پسر می‌تواند در جهت حل مشکلات آنان اقدام موثری بردارد. همچنین مطابق با سند تحول بنیادین، تلاش برای رفع این مشکلات به‌تنهایی و بدون حمایت دیگر نهادهای مرتبط با تعلیم و تربیت ممکن نیست و سایر نهادهای مرتبط با تعلیم و تربیت نیز باید برای حل مشکلات موجود در کنار آموزش و پرورش اقدامات موثری انجام دهند.

**واژگان کلیدی:** آسیب‌های اجتماعی، سند تحول بنیادین، دانش‌آموزان، مدارس، تعلیم و تربیت

## ۱- مقدمه:

اهمیت دادن به موقعیت کودک و دوران کودکی پدیده‌ای مدرن و مربوط به دوران معاصر است. کودکان به‌عنوان یک گروه سنی که جایگاه اجتماعی و فرهنگی خاص خود را دارا هستند، در محیط شهری مدرن موقعیتی ویژه پیدا کرده‌اند. این گروه که نقش و مسئولیت اجتماعی برایشان در نظر گرفته نمی‌شود، در عین حال به این عنوان که در دوره‌ای سرنوشت‌ساز به سر می‌برند و فرایند اجتماعی شدن و تعلیم و تربیت آن‌ها باید به طور کامل و با بهترین کیفیت انجام گیرد، تحت توجه و نظارت شدید خانواده و جامعه هستند، در این میان، حضور مستمر گروهی از کودکان در خیابان که در نگاه اول به دلیل بی‌خانمانی و فرار گرفتن در بحران اقتصادی به کار در خیابان روی آورده‌اند، به آزدگی و نگرانی شهروندان و مسئولان منجر شده است (ایمانی و نرسیانی، ۱۳۹۱: ۸).

یکی از مشکلاتی که جوامع در حال توسعه را تهدید می‌کند، پدیده کار کردن کودکان است. این کودکان با توجه به شرایط خاص زندگی خویش از ابراز نقش مناسب سن خویش محروم می‌باشند (واتکینز، ۲۰۱۶). کودکان کار به اشتغال کودکان بر هر شغلی اشاره دارد که کودکان را از لذت دوران کودکی محروم و با توانایی او برای حضور منظم در مدرسه و تحصیل تداخل می‌کند و از نظر روانی، جسمانی، اجتماعی و اخلاقی برای کودک خطرناک و مضر است (حسین‌پور، محمدزاده و عطوفی، ۲۰۱۴). سازمان بین‌المللی کار، تخمین می‌زند که ۲۱۸ میلیون کودک در سراسر جهان جز کودک کار محسوب می‌شوند و ۱۱۵ میلیون نفر از آن‌ها درگیر مشاغل پرخطر هستند. بر اساس آمارهای موجود، تعداد کل کودکان خیابانی در ایران ۲۶۰۰۰۰ کودک می‌باشد (کاشانی وحید و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱۱).

کودکان کار در زمانی که جسم و روان آن‌ها در حال رشد است، بیشتر اوقات به کار در خیابان‌های شهرهای بزرگ و محیط‌های نامن و متشنج می‌پردازند، و در نتیجه فرصت‌هایی بس اندک برای رشد و تکامل عاطفی - اجتماعی دارند. پدیده کار اجباری کودکان و پیامدهای منفی عاطفی - اجتماعی آن یکی از معضلات فراگیر در سراسر جهان به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه است (فتحتی‌آذر و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۵). از این رو توجه به موضوع کودکان کار در نظام تعلیم و تربیت امری ضروری به‌نظر می‌رسد. این موضوع از آن جهت حیاتی است که آموزش و پرورش به‌عنوان نهادی تاثیرگذار می‌تواند بر تربیت آنان و آماده‌سازی آنان برای ایفای نقش در آینده تاثیرگذار باشد و در صورت عملکرد صحیح نهاد آموزش و پرورش می‌توان ضمن جلوگیری از آسیب‌های احتمالی اجتماعی برای کودکان کار آنان را برای ایفای نقشی موثر در جامعه برای خود و برای دیگران آماده کرد.

در نظام آموزش و پرورش ایران نیز توجه به تمامی کودکان و به‌طور کلی نظام آموزش و پرورش کشور از اهمیت خاصی برخوردار است چنان‌که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و در اهداف کلان این سند بر «گسترش و تامین همه‌جانبه عدالت آموزشی و تربیتی» تاکید شده است. از این رو پژوهش حاضر قصد دارد تا با بررسی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و پدیده کودکان کار، اهداف زیر را مورد بررسی قرار دهد:

- شناسایی راهکارهای پیش‌بینی شده برای کودکان کار در سند تحول بنیادین
- راهکارهای افزایش جامعه‌پذیری کودکان کار مبتنی بر سند تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش

## پیشینه پژوهش:

فتحتی‌آذر و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی با عنوان «تاثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خودتنظیمی هیجانی کودکان کار» چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: «اجرای برنامه آموزش فلسفه برای کودکان موجه کاهش پنهان‌کاری کودکان کار گروه آزمایش شده است. فلسفه برای کودکان بر آن است که بگوید بزرگ‌سالان و کودکان باید از طریق تفکر و گفت‌وگو به سطح دیگری از شناخت برسند. کودکان می‌بایستی علاوه بر کسب توانایی برای داوری‌های اخلاقی قابل دفاع، از احساسات خود و دیگران و نیز نقشی که احساسات در پذیرش و یا انکار عقیده‌ای خاص دارد آگاه باشد. آن‌ها نیاز دارند که بدانند با احساسات چه می‌شود کرد و چگونه از طریق آن‌ها و یا به‌رغم آن‌ها می‌توان چیزهای جدیدی آموخت. آموزش فلسفه برای کودکان، کودکان را هوشیارتر می‌سازد همچنین آن‌ها را به فراشناخت تشویق می‌کند. به‌علاوه این فرایند نیازمند مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی و رشد همدلی هیجانی و حساسیت نسبت به احساسات دیگران است. در نتیجه، درگیر شدن در آموزش فلسفه برای کودکان همان‌گونه که اثرات شناختی و نیز افزایش عزت‌نفس، خودکارآمدی، هوش اجتماعی، هوش هیجانی و شاید مهارت‌های قابل انتقال را به دنبال دارد، اثرات اجتماعی - عاطفی زیادی نیز دارد.» سیادت و جدیدی (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان «تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت‌نفس و ابعاد هویت کودکان کار» به نتیجه‌گیری ذیل دست‌یافته‌اند: «آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق ارائه برنامه مداخله‌ای، هم بر هویت و هم بر عزت‌نفس کودکان کار تاثیر مثبت داشته و آن‌ها را افزایش داده است. از این رو، لازم است آموزش مهارت‌های اجتماعی به تمامی کودکان به ویژه کودکان کار که در برقرار ارتباط با همسالان مشکل

دارند، مورد توجه قرار گیرد. بدیهی است اگر آموزش مهارت‌های اجتماعی با برنامه، منظم و به طور مستمر تداوم داشته باشد، موجب رشد همه‌جانبه کودکان کار و جبران عقب‌ماندگی آنان از سایر همسالان خواهد شد؛ عقب‌ماندگی که به واسطه روال غیر عادی دوران کودکی بر آنان تحمیل شده است. آموزش مهارت‌های اجتماعی مناسب و فراهم کردن فرصت‌ها و تجربی که تعاملات اجتماعی را افزایش دهد، موجب می‌شود کودکان بتوانند راهبردها و مهارت‌های اجتماعی را در تمام محیط‌ها و موقعیت‌های واقعی زندگی تمرین کنند و به کار بندند.

کاشانی وحید و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهشی با عنوان «اثربخشی برنامه آموزش حل مسئله خلاق بین فردی بر خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی کودکان کار» نیز پیرامون موضوع کودکان کار پژوهش کرده و چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند: «در تبیین نتایج می‌توان گفت کودکانی که به مهارت حل مسئله دست پیدا می‌کنند، سازگاری بیشتری با محیط کسب می‌کنند و زمانی که جریان کارها مطابق میل آن‌ها پیش نمی‌رود، تحمل بیشتری دارند، راحت‌تر دوست پیدا می‌کنند و می‌توانند دوستان خود را بیشتر نگه دارند.» در همین راستا نتایج پژوهش خانیکی و معتمدی (۱۳۹۶)، با عنوان «تاثیر مشاوره گروهی راه حل محور بر خودکارآمدی و حمایت اجتماعی کودکان کار» نیز نشان می‌دهد که به‌کارگیری مشاوره‌های گروهی راه‌حل محور بر خودکارآمدی کودکان کار در مقابله با شرایط دشوار موثر بوده است (خانیکی و معتمدی، ۱۳۹۶).

با این وجود علی‌رغم پژوهش‌های صورت گرفته پیرامون کار، پژوهشی مرتبط با سند تحول بنیادین و کودکان کار صورت نگرفته است، از این رو پژوهش حاضر در تلاش است تا با بررسی سند تحول بنیادین و واکاوی آن با نگاهی به موضوع کودکان کار، بتواند پژوهشی جدید در این رابطه انجام داده و کاستی‌های موجود در این عرصه را پر نماید.

## ۲- روش تحقیق

این پژوهش از لحاظ ماهیت و هدف، کاربردی و از لحاظ روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات آن از طریق بررسی کتب، مقالات و پایان نامه‌های معتبر، جمع‌آوری شده است. هدف از پژوهش حاضر، شناسایی راهکارهای پیش‌بینی شده برای کودکان کار در امر تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین می‌باشد. بدین منظور در این پژوهش ابتدا داده‌ها و اسناد مرتبط با موضوع جمع‌آوری شده‌اند و سپس سند تحول بنیادین با نگاهی به موضوع پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و در مرحله بعد با رویکردی تحلیلی راهکارهای پیش‌بینی شده توسط سند تحول بنیادین برای کودکان کار مورد بررسی قرار گرفته است.

## ۳- یافته‌های پژوهش

در بیانیه ارزش‌های سند تحول بنیادین، آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت شناخته شده است که متولی فرایند تعلیم و تربیت در همه ساحت‌های تعلیم و تربیت و قوام‌بخش فرهنگی عمومی و تعالی بخش جامعه اسلامی بر اساس نظام معیار اسلام، با مشارکت خانواده، نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی شناخته شده است. بر اساس سند تحول «این نهاد مأموریت دارد با تاکید بر شایستگی‌های پایه، زمینه دستیابی دانش‌آموزان در سنین لازم‌التعلیم طی ۱۲ پایه (چهار دوره تحصیلی سه ساله) تحصیلی به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام‌مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد. انجام این مهم نقش زیرساختی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی خواهد داشت.» (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). بر این اساس، با توجه به بیانیه ارائه شده در سند تحول، راهکارهایی نیز برای اجرای آن در نظر گرفته شده است، با نگاهی به این فصل می‌توان فهمید آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد نقش مهمی در پرورش دانش‌آموزان در تمامی ساحت‌های آنان و تمامی ابعاد آنان دارد. به عبارتی آموزش و پرورش وظیفه تعلیم و تربیت دانش‌آموزان را در قالب سنت‌های گوناگون، بیماری‌های گوناگون، مشکلات اجتماعی متفاوت دارد و مسئله مهم در نحوه تربیت آنان برای تحقق اهداف سند می‌باشد. بر همین اساس نیز راهکارهایی جهت اجرایی سازی آن پیش‌بینی شده است. راهکارهایی که به نظر می‌رسد می‌توان با تکیه بر آن کودکان کار را نیز در امر تعلیم و تربیت پرورش داد به شرح ذیل می‌باشد:

### ۱. ارائه خدمات مشاوره‌ای - تربیتی

مطابق با سند تحول بنیادین در راهکار ۷-۳- سند چنین آمده است «ارائه خدمات مشاوره‌ای - تربیتی در کلیه سطوح تربیتی برای افزایش سلامت جسمی و روحی دانش‌آموزان» بر این اساس می‌توان گفت با توجه به مشکلات اجتماعی کودکان کار و آسیب‌های اجتماعی که ممکن است در محیط

کار برای آنان پیش بیاید، اهمیت درک متقابل و شناخت مشکلات آنان بسیار مهم است و می‌تواند بخشی از مشکلات موجود را حل کند. از این رو مدرسه به عنوان پایگاهی مطمئن برای کودک کار، باید با درک متقابل او و وضعیت او بتواند ضمن شناسایی مشکلاتش، اقدام به حل مشکلات او نماید. حضور موثر مشاوران مدارس و معلمان و معاونان پرورشی نیز می‌تواند در این مورد بسیار اثرگذار باشد همچنین باید به کودک این اطمینان نیز حاصل شود که مدرسه تلاش دارد او را درک کرده و به حل مشکلات او کمک نماید.

## ۲. تقویت بنیان خانواده

در راهکار ۲ سند تحول بر تقویت بنیان خانواده‌ها و کمک به افزایش سطح توانایی‌ها تاکید شده است بر این اساس در راهکار ۴-۴- سند تحول بنیادین بر «افزایش میزان مشارکت خانواده‌ها در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه، برگزاری دوره‌های آموزشی اثربخش، ارائه خدمات مشاوره‌های به خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زا برای همسوسازی اهداف و روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه» تاکید شده است. با توجه به این راهکار نیز می‌توان گفت که در مسئله کودکان کار، نه تنها کودک بلکه خانواده او نیز حائز اهمیت است از این رو علاوه بر مشاوره با کودک باید با خانواده او نیز صحبت شود و تلاش شود مشکلات این خانواده نیز تا حدی که مربوط به مدرسه می‌باشد مورد حل و فصل قرار گیرد و یا به مراکز معتبر ارجاع داده شود. به عبارتی در مسئله کودکان کار ممکن است خانواده‌های این افراد نیز با مشکلات عدیده‌ای دست و پنجه نرم کنند از این رو توجه به خانواده‌های آنان نیز می‌تواند در حل مشکل آنان اثرگذار باشد. در سند تحول بنیادین نیز با تکیه بر این امر مهم بر ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌های آسیب‌پذیر تاکید شده است.

## ۳. تامین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت

در سند تحول بنیادین مطابق راهکار ۱-۵- سند بر «تعمیم دوره پیش‌دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند حتی الامکان با مشارکت بخش غیردولتی با تاکید بر آموزش‌های قرآنی و تربیت بدنی و اجتماعی» تاکید شده است. بر این اساس باید گفت که برخی از کودکان کار نیز در مناطقی زندگی می‌کنند که امکان دسترسی آنان به آموزش‌های لازم همانند دیگر دانش‌آموزان در شهر برقرار نمی‌باشد از این رو این کودکان به دلیل عدم آموزش با مشکلات بسیاری مواجه می‌شوند و این خود ممکن است مشکلات و آسیب‌های اجتماعی دیگری نیز پدید بیاورد. از این رو باید توجه داشت که ساخت و تاسیس مدارس در مناطق محروم نظیر مناطقی که کودکان کار در آن‌جا زندگی می‌کنند دو دستاورد عمده را در پی خواهد داشت:

- ۱- شناسایی کودکان کار و خانواده‌های آسیب‌پذیر در این مناطق و تلاش برای ارائه خدمات مشاوره‌ای و کاستن از مشکلات آنان
- ۲- آشناسدن کودکان کار با مفاهیم آموزشی و تربیتی و اجتماعی.

## ۴. تنوع بخشی در ارائه خدمات آموزشی و فرصت‌های تربیتی

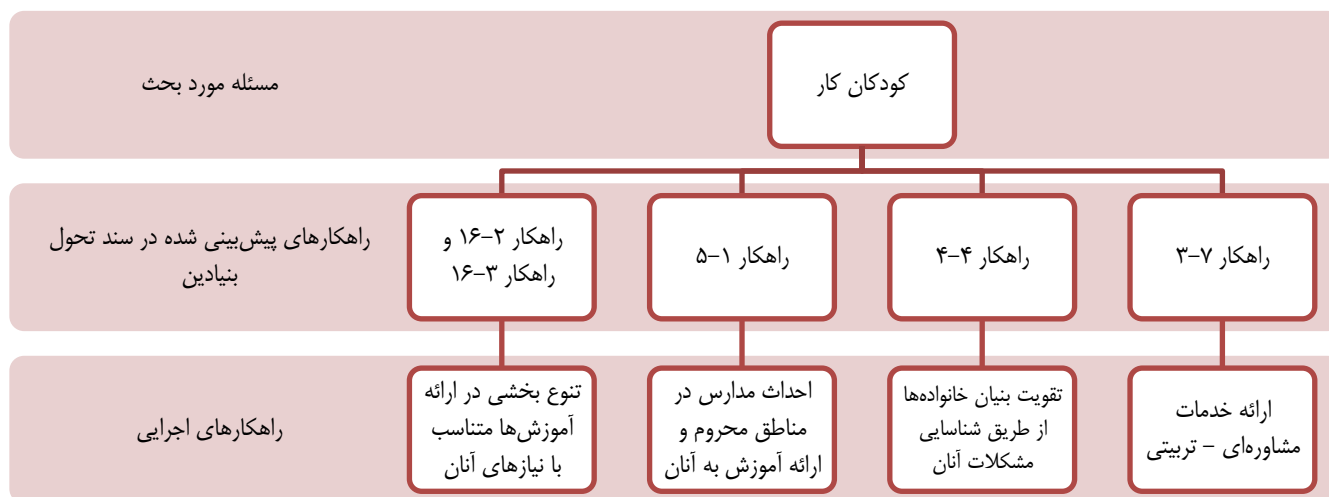
بر اساس راهکار ۱۶ سند تحول بنیادین و راهکار ۲-۱۶- و راهکار ۳-۱۶- سند بر «رعایت اقتضات هویت جنسی (پسران و دختران) و ویژگی‌های دوران بلوغ دانش‌آموزان در برنامه‌های درسی و روش‌ها و برنامه‌های تربیت ضمن توجه به هویت مشترک آنان و توجه کافی به شرایط روحی دانش‌آموزان در سنین بلوغ و ارائه مشاوره و آموزش‌های دینی و اخلاقی متناسب با آن‌ها» تاکید شده است. از این رو باید گفت در مواجهه با کودکان

کاری که در سن منتهی به بلوغ قرار دارند باید سعی شود مشاوره‌های متناسب با سن آنان ارائه کرد تا ضمن آشنایی آنان با مسائل مرتبط با دوران بلوغ از مشکلات احتمالی آنان در سال‌های بلوغ جلوگیری شود.

### ۵. حمایت همه‌جانبه دیگر دستگاه‌ها

مسئله مهم در این امر اما همکاری همه دستگاه‌های مرتبط با تعلیم و تربیت در اجرای اهداف سند تحول بنیادین است، چنان که در سند آمده است «تمامی دستگاه‌ها و نهادها، به‌ویژه رسانه ملی، موظفند در چارچوب این سند، همکاری لازم با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی را برای تحقق اهداف تحول بنیادین آموزش و پرورش معمول دارند.»

با توجه به این گزاره می‌توان گفت که مسئله موجود کودکان کار برای حل مشکلات آنان تنها به وسیله نهاد آموزش و پرورش رفع نخواهد شد. هر چند که این نهاد نقش موثری دارد اما بدون همکاری و هماهنگی دیگر دستگاه‌ها نمی‌تواند موفق شود و توجه جدی به آنان نخواهد شد. بر اساس یافته‌های پژوهش باید گفت که راهکارهای پیش‌بینی شده در سند تحول بنیادین به شرح ذیل می‌باشد:



### نتیجه‌گیری:

توجه به مسائل و مشکلات پیرامون کودکان کار در نظام آموزش و پرورش مهم و ضروری است. کودکان کار به دلیل مواجه شدن با مسائل و مشکلات متفاوت در سطح جامعه ممکن است دچار آسیب‌های اجتماعی گوناگونی گردند از این رو نظام آموزش و پرورش به‌عنوان متولی تعلیم و تربیت نقش موثری در حل مشکلات آنان و جامعه‌پذیری کودکان دارد. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می‌توان بر حل مشکلات کودکان نیز توجه کرد. از این رو مطابق سند تحول بنیادین توجه به منطقه محل زندگی آنان و ارائه خدمات مشاوره‌ای به آنان، تامین عدلت و احداث مدارس در مناطق محل زندگی آنان خود نشان‌دهنده توجه سند تحول و نظام تعلیم و تربیت به این موضوع مهم می‌باشد. همچنین باید گفت که حل مشکلات کودکان کار به تنهایی و توسط نهاد آموزش و پرورش ممکن نیست بلکه اقدامی کشوری و با همکاری و مشارکت سایر دستگاه‌ها را طلب می‌نماید. تمامی دستگاه‌ها باید به موضوع سند تحول بنیادین و اجرایی سازی آن اهمیتی جدی ورزیده و نسبت به آن کوشا باشند. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که مشکلات

موجود کودکان کار با همکاری دستگاه‌های مرتبط با تعلیم و تربیت و تحت نظر نظام تعلیم و تربیت رسمی و از طریق مدارس کشور با همکاری مشاوران، معلمان، معاونان و خانواده‌های آسیب‌دیده قابل رفع باشد.

منابع:

- خانیکی، الهه؛ معتمدی، عبدالله (۱۳۹۶)، تاثیر مشاوره گروهی راه حل محور بر خودکارآمدی و حمایت اجتماعی کودکان کار، فصلنامه سلامت روانی کودک، شماره ۴، صص ۱۱۹ - ۱۰۹.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- سیادت، سید مرتضی؛ جدیدی، محسن (۱۳۹۴)، تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر عزت نفس و ابعاد هویت کودکان کار، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، سال یازدهم، شماره سی و هفتم، پاییز ۱۳۹۴، ۱۰۲ - ۸۳.
- فتحی آذر، اسکند؛ تقی‌پور، کیومرث؛ حاج‌آقایی خیابانی، آیسان (۱۳۹۸)، تاثیر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان بر خود تنظیمی هیجانی کودکان کار، دوفصلنامه علمی پژوهشی تفکر و کودک، سال دهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۷۲ - ۱۵۳.
- کاشانی وحید، لیلا؛ حکیمی راد، الهام؛ اساسه، مریم و فارسیان، زهرا (۱۴۰۰)، اثربخشی برنامه آموزش حل مسئله خلاق بین فردی بر خلاقیت و مهارت‌های اجتماعی کودکان کار، فصلنامه روانشناسی افراد استثنایی، سال یازدهم، شماره ۴۳، پاییز ۱۴۰۰، صص ۲۳۲ - ۲۰۷.
- Hosseinpour, M., Mohammadzadeh, M., & Atoofi, M. (2014). Work-related injuries with child labor in Iran. *European journal of pediatric surgery*, 24(1), 117-120.
- Watkins, K. (2016). *The State of the World's Children 2016: A Fair Chance for Every Child*. UNICEF. 3 United Nations Plaza, New York, NY 10017.